



دانشجویان مرکز شرافت:

## تغییر نگاه به معلم

# وظیفه آموزش و پرورش است

گزارشگر: سمانه آزاد  
عکاس: رضا بهرامی

از اول سال تحصیلی ۹۶-۹۵ نخستین ورودی‌های دانشگاه فرهنگیان به عنوان معلم کار رسمی خود را آغاز کردند. مرکز شرافت یکی از مراکز وابسته به پردیس نسیمیه تهران با ۱۳۰۶ دانشجویست که در رشته‌هایی از جمله علوم پایه، آموزش ابتدایی، ارتباط تصویری و آموزش کودکان استثنایی تحصیل می‌کنند. در بازدید از این مرکز، ما با چند تن از دانشجویان گفت‌وگو کردیم و از آن‌ها پرسیدیم چرا دانشگاه فرهنگیان را انتخاب کرده‌اند، ارزیابی‌شان از وضعیت علمی و آموزشی دانشگاه چیست؟ دانشگاه تا چه حد توانسته است آن‌ها را برای ورود به مدرسه و کلاس آماده کند؟ و ... اگر چه زمان زیادی از این گفت‌وگو به بیان مشکلات دانشگاه و دانشجویان گذشت اما آنچه واضح است زنده بودن شوق معلمی و انتقال تجربه و دانش در دانشجویان است. دانشجویانی که پخته‌تر از هم سن و سالان خود بودند و آنچه طلب می‌کردند بیش از هر چیز اعتماد و احترام بود.

حسنی: من وقتی از سر کلاس به خانه برمی‌گردم باید خسته‌تر از آن پدر و مادر کارگر باشم که به امید موفقیت فرزندشان تلاش می‌کنند. پس اگر در تدریس کم و کسری باشد خیانت کرده‌ام

مریم حسنی  
ترم هفت  
دبیری زیست‌شناسی



◀ با توجه به اینکه شما نخستین ورودی‌های این دانشگاه هستید، وضعیت دانشگاه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

**حسنی:** ما در آموزش و پرورش باید هم تعلیم و هم تربیت را مدنظر داشته باشیم. به همین دلیل معلم باید در همه جنبه‌ها توانمند باشد تا در کلاس اثرگذار باشد. اگر بخواهیم از لحاظ آموزشی دانشگاه را بررسی کنیم، درس‌های تخصصی خیلی خوب هستند و استادان بار علمی خوبی دارند.

**یاوری:** در درس‌های تخصصی استادان خوبی داریم اما در درس‌های تربیتی و عمومی کمی نارضایتی وجود دارد. از استادان کارورزی هم بعضی خوب و برخی متوسط هستند.

**خرمی:** وضعیت رشته‌ها هنر با دیگر رشته‌ها متفاوت است. گویا دانشگاه فرهنگیان هنر را قبول ندارد. حتی آن‌قدر برنامه‌ریزی وجود نداشت که ما درس‌ها را از اول و ابتدا یاد بگیریم. در واقع می‌توان گفت ما مباحث را از آخر به اول آموزش دیدیم.

◀ یعنی برنامه‌ریزی برای ارائه واحدها و درس‌ها وجود ندارد؟

**حسنی:** این عدم برنامه‌ریزی به حدی است که من با وجود آن که ترم هفتم هستیم اما هنوز نمی‌دانم باید چند واحد دیگر بگذرانم و کی قرار است فارغ‌التحصیل شوم. اولین ورودی‌های این دانشگاه هستیم و به دلیل عدم برنامه‌ریزی هر ترم یک فشار روانی به ما وارد می‌شود. مثلاً یک بار گفتند قرار است لغو تعهد شویم! سپس لغو تعهد منتفی شد و اعلام کردند باید ۴۵ درصد از حقوق خود را برای خوابگاه و غذا برگردانید.

**یاوری:** من هم ترم آخر هستیم ولی هنوز ۲۶ واحد پاس نکرده‌ام. با وجود اینکه همیشه سعی کرده‌ام معدل بالای ۱۷ باشد تا بتوانم واحدهای بیشتری را بگذرانم اما در نهایت عقب افتادم. دلیلش هم این بود که مرکز ما یکی از قوانین را اشتباه متوجه شده بود. در هر ترم باید پنج واحد از درس‌های تخصصی را می‌گذرانیم اما مرکز اشتباهی فقط پنج واحد در ترم -چه عمومی و چه تخصصی- ارائه می‌داد. بنابراین برنامه خیلی محدود بود و ما عقب ماندیم.

**خرمی:** ما باید در چهار ترم کارورزی می‌گذرانیم. اما به دلیل همان عدم

برنامه‌ریزی دقیق الان که ترم هفتم هستیم در رشته هنر فقط دو کارورزی را گذرانده‌ایم. از طرفی هم تا چهار کارورزی تمام نشود نمی‌توانیم به عنوان معلم وارد مدرسه شویم. مشکلات گروه هنر بیشتر از گروه‌های دیگر است. ما درس‌هایی را که یک معلم باید با آن‌ها آشنا باشد، مثل روان‌شناسی و فنون معلمی، هنوز نگذرانده‌ایم. این دو کارورزی را هم با پیگیری‌های استادان خودمان توانستیم بگذرانیم.

◀ کارورزی تا چه حدی توانسته به شما در تدریس کمک کند؟

**یاوری:** بار علمی ما خوب است اما از لحاظ عملی تجربه نداریم. کارورزی چندان در این زمینه به من کمک نکرده است.

**حسنی:** اما به من کمک کرده است. مدتی پیش همایشی برگزار شد و ما دستاوردهایمان در کارورزی را ارائه دادیم. اما هر دانشجو فقط سه دقیقه فرصت داشت. درحالی‌که باید زمانی اختصاص داده می‌شد تا هر گروه مشکلاتش در کارورزی را بیان کند.

**خرمی:** سطح علمی رشته هنر در این دانشگاه خیلی پایین است. وقتی برای کارورزی به مدارس می‌رویم می‌بینیم سطح دانش آموزان از



خرمی: شاید تنها انگیزه‌ای که باعث می‌شود ذوق حضور در کلاس را داشته باشم رشته تحصیلی‌ام است که واقعاً دوستش دارم و می‌خواهم هر چه زودتر تمام تجربه‌های خود و شور و اشتیاقم را با دیگران تقسیم کنم

مژده خرمی  
ترم هفت  
رشته ارتباط تصویری



ما خیلی بالاتر است. این یعنی دانشگاه نتوانسته ما را به مرحله‌ای برساند که حداقل هم سطح دانش آموزان باشیم.

❖ فکر می‌کنید استادانی که در دانشگاه فرهنگیان تدریس می‌کنند باید چه ویژگی‌هایی داشته باشند؟

خرمی: استادان ما باید انگیزه یادگیری و آموزش را در ما به وجود بیاورند. همچنین طوری به ما آموزش دهند که بتوانیم مباحث را به دیگران منتقل کنیم. اما من حس می‌کنم در دانشگاه ما رقابت و نمره خیلی اهمیت پیدا کرده است. برای کسی مهم نیست که درس را چگونه یاد می‌گیرد. از سوی دیگر میان استادان یک گروه درباره‌ی یک موضوع هماهنگی علمی وجود ندارد. هر کدام از استادان برای خودشان فکر و ایده متفاوت درباره‌ی یک مسئله واحد دارند.

حسنی: ما درس‌ها را یاد می‌گیریم ولی این کافی نیست. استادان باید طوری آموزش دهند که ما بتوانیم آن مباحث را آموزش هم بدهیم. البته درس‌های مربوط به روش تدریس یا همان کارورزی در این زمینه به من خیلی کمک کرده است اگرچه مشکلاتی هم داشت. مثلاً گاهی مدارس ما را نمی‌پذیرفتند. یا حتی دانشجویان را به دفتر دبیران راه نمی‌دادند.

یاوری: یکی از درس‌های ما «بررسی متون

دبیرستان» است که درس به درس کتاب را بررسی می‌کردیم. تدریس توسط دانشجویان صورت می‌گرفت و استاد ایرادهای ما را برطرف می‌کرد. در آن درس بود که آموزش را یاد گرفتیم.

❖ امکانات دانشگاه برای شما چگونه است؟  
حسنی: در ترم‌های اول که ما به آزمایشگاه نیاز داشتیم، آزمایشگاه‌ها مجهز نبودند. گاهی حتی استادان از جاهای دیگری که تدریس می‌کردند وسایلی را می‌آوردند که ما هم استفاده کنیم. بعد از آنکه آزمایشگاه تجهیز شد دیگر ما دروس آزمایشگاهی نداشتیم. مدارسی که من برای کارورزی می‌رفتم آزمایشگاه‌های مجهزی داشتند و دانش‌آموزان می‌توانستند با وسایل کار کنند، در حالیکه خودم نمی‌توانستم.

❖ عمده مشکلاتی که در دانشگاه با آن رو به رو هستید چیست؟

حسنی: من سه ترم از خوابگاه استفاده کردم که وضعیت خوبی نداشت البته از نظر ایمنی خوب بود؛ اما از لحاظ غذا کیفیت اصلاً خوب نبود. در کتابخانه جایی برای مطالعه نیست. نمازخانه، هم حکم خوابگاه را دارد و هم حکم کتابخانه را و.... یکی دیگر از مشکلات عدم اعتماد مسئولان به دانشجویان است. وقتی در خوابگاه بودیم باید برای هر نیم ساعتی که می‌خواستیم بیرون برویم دفترچه امضا می‌کردیم که سلسله مراتب داشت و باید همه تأیید می‌کردند که به کجا می‌رویم. به همین دلیل ترجیح دادم دوری مسیر را تحمل کنم ولی با اعتمادی که خانواده‌ام به من داده است به خانه خودم بروم. یکی دیگر از مشکلاتمان استادان تکراری برای دروس مختلف است. مثلاً در رشته زیست‌شناسی همه دروس جانوری را یک استاد تدریس می‌کند. حتی در مدرسه هم دانش‌آموز چهار سال متوالی یک معلم را برای یک درس نمی‌پذیرد. اصولاً تعداد استادان پردیس ما محدود است. هدف دانشگاه خوب است با هدف خوبی ساخته شده ولی با محدودیت استاد و اعضای هیئت علمی روبه‌رو است.

خرمی: یکی از مشکلات ما نبودن آتلیه عکاسی بود که بالاخره با پی‌گیری‌های مدیر گروه آتلیه ایجاد شد اما باز دچار مشکل شدیم. مثلاً در ترم





هفتم که عکاسی حرفه‌ای را می‌گذرانیم، هر دو دانشجو با هم باید وارد آتلیه شوند و عکاسی کنند اما گویی اعتمادی وجود ندارد. در همه این مدت زیر ذره‌بین هستیم.

**یاوری:** در اینجا یکی از قوانین این است که دانشجو در هفته فقط ۴ ساعت می‌تواند بیرون از دانشگاه باشد. البته الان تا هشت‌ونیم می‌توانیم بیرون باشیم و اوضاع خیلی بهتر شده است. من اگر از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شوم احساس خوشبختی خواهم کرد.

**خرمی:** برخی فشارها باعث شده دانشجویان دروغگو و ریاکار شوند. کیفیت غذا هم آنقدر بد است که همه مریض شده‌اند. اورژانس همیشه اینجاست.

#### ◀ به عنوان دانشجوی این دانشگاه برای حل مشکلات چه راه حلی دارید؟

**حسنی:** سوال من این است که آیا مسئولان دانشگاه باور کرده‌اند که ما قرار است به عنوان معلم به کلاس درس برویم؟ آیا باور کرده‌اند که قرار است نسل بعدی را ما تربیت کنیم؟ وظیفه ما به عنوان معلم فقط تعلیم نیست، تربیت هم هست. در ایران اولین حرفی که راجع به معلمان زده می‌شود این است که «معلمان بار مالی دارند». در اخبار مربوط به معلمان وقتی کامنت‌های دیگران را می‌خوانید می‌بینید که خیلی‌ها معتقدند همین حقوق هم برای معلمان زیاد است! مسئولان آموزش و پرورش باید این جو را تغییر دهند تا همه بدانند معلم چه جایگاهی دارد. اما متأسفانه این کار انجام نمی‌گیرد و ضررش هم متوجه جامعه خواهد بود.

**یاوری:** خیلی‌ها معتقدند معلمان راحت‌ترین کار را دارند. اما باید در نظر داشته باشند که معلمان با میز و صندلی سر و کار ندارند. با انسان سر و کار دارند. انسان به خودی خود پیچیده است چه رسد به ما که با روح و روان دانش‌آموزان سر و کار داریم. همین دانش‌آموزان وارد جامعه خواهند شد و آینده کشور را به دست می‌گیرند. پس ما شغل خطیری داریم و باید برای ما و شغل ما احترام قائل باشند.

#### ◀ چه چیزی به شما انگیزه حضور در کلاس درس را می‌دهد؟

یاوری: همیشه دوست داشتم تغییر و تحولی در نظام آموزش و پرورش‌مان داشته باشم و آنچه را که خودمان نداشتیم، نسل‌های بعدی تجربه کنند

**حسنی:** هر کس در جامعه باید سعی کند بهترین باشد و قدمی برای رشد کشور بردارد و من در این زمینه می‌توانم خدمت کنم. درست است که درآمد در آموزش و پرورش کم است، اما با همهٔ ناملایمات، بی‌توجهی‌ها و کمبودها من نباید کم‌کاری کنم. پشت دانش‌آموزی که به مدرسه می‌آید دست‌های زخمی پدر کارگرش قرار دارد. مادرانی هستند که با کار در خانه‌های دیگران خرج مدرسه فرزند خود را می‌دهند. من وقتی از سرکلاس به خانه برمی‌گردم باید خسته‌تر از آن پدر و مادر کارگر باشم که به امید موفقیت فرزندشان تلاش می‌کنند. پس اگر در تدریس کم و کسری باشد خیانت کرده‌ام. خدمت و کمک به کسانی که آینده و سرمایهٔ کشور هستند همهٔ انگیزه من است که با وجودش همه سختی‌ها قابل تحمل می‌شود.

**خرمی:** شاید تنها انگیزه‌ای که باعث می‌شود ذوق حضور در کلاس را داشته باشم رشته تحصیلی‌ام است که واقعاً دوستش دارم و می‌خواهم هر چه زودتر تمام تجربه‌های خود و شور و اشتیاقم را با دیگران تقسیم کنم. در رشته ما معمولاً دانش‌آموزان زود وارد بازار کار می‌شوند و حاصل زحمات خود را به نمایش می‌گذارند. این زیباست که ببینی دانش‌آموزان چیزهایی را که از تو آموخته‌اند به‌عنوان هنرها استفاده می‌کنند.